

إقرأ باسم ربك الذي...

جایگاه دانش و دانشمند در قرآن کریم

غلامعلی عزیزی کیا

قرآن کریم نکات فراوانی در باره دانش و دانشمندان مطرح کرده است. بر اساس برخی آیات، راز آفرینش جهان و انسان شناخت خدای متعالی است «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (۱) از آنجا که عبادت بدون شناخت معبود معنا ندارد ليعبدون به ليعرفون تفسیر شده است. مرحوم شهید ثانی در مقدمه منیه المرید یا بیان آیه «و هو الله الذی خلق سبع سماوات و من الارض مثلهن یتنزل الأمر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدير و ان الله قد احاط بكل شیء علما» (۲) از آن نتیجه گرفته است که علم سبب کلی آفرینش است و جلالتی برتر از این برای علم وجود ندارد (۳)

در ارزش دانش و معرفت همین بس که قرآن کریم، خدای متعالی را اولین معلم انسان می داند «خلق الانسان علمه البیان» (۴) و «علم الانسان ما لم يعلم» (۵) و علم را معیار برتری آدم بر فرشتگان دانسته است آنگاه که خداوند «اسماء» را از فرشتگان پرسید و آنان به ناتوانی خود در شناخت اسماء اعتراف کردند آدم عليه السلام آن نام هایی را که خداوند به او آموخته بود، به آنان بازگفت و راز برتری اش بر فرشته روشن شد.

«و علم آدم الاسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة فقال انبئوني باسماء هؤلاء ان كنتم صادقين قالوا سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم قال يا آدم انبئهم باسمائهم فلما انباهم باسمائهم قال الم اقل لكم اني اعلم غيب السماوات و الارض و اعلم ما تبون و ما كنتم تكتمون» (۶) خداوند افزون بر دانشهای فطری و نیروی عقل که به بشر داده، راههای دیگری هم برای کسب دانش در اختیار او قرار داده است یکی از آنها راهی است که هر کسی با استفاده از ابزارهای ادراکی خود به ویژه چشم و گوش، به دانشهای مورد نیاز خود دست می یابد «والله اخرجكم من بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا و جعل لكم السمع و الابصار و الافئدة لعلكم تشكرون» (۷) اما راه دیگر آموختن از طریق واسطه هایی است که دانشهای دست نیافتنی از راههای دیگر را برای آدمی میسر می سازد خداوند برخی از آدمیان را برگزیده و به تعلیم ویژه آنان پرداخته و بدین سان معلم وحی رسولان خود شده و پیامبران الهی را موظف به تعلیم مردمان کرده است.

خداوند وحی به خاتم پیامبران صلى الله عليه وآله وسلم را با «اقرأ» آغاز فرموده «اقرأ باسم ربك الذي خلق» (۸) و آموزش با قلم را به خود نسبت داده «الذی علم بالقلم» (۹) با آن که او را به کرامت و افتخار «علمک ما لم تکن تعلم» گرامی داشته اما برای همیشه سفارشش کرده تا از خداوند درخواست دانش بیشتر کند «و قل رب زدنی علما» و برترین معجزه او را کتاب قرار داده «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لآتوا بمثلها ولو کان بعضهم لبعض ظهیرا» (۱۰) به قلم و آنچه مینگارند سوگند خورده است. عالمان را بر غیر آنان برتری بخشیده و عالم و غیر عالم را قابل قیاس با یکدیگر نمی داند «...قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (۱۱) و مومن دانشمند را به درجاتی از مومن غیر دانشمند بالا برده و بر صدر نشانده است «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبیر» (۱۲) و در میان دانشهای مختلف، دانشی که انسان را به معرفت و بندگی خدا برساند شریفتر دانسته و برای دسترسی همگان به

این معرفت، گروهی از مومنان را موظف به فهم و درک بایسته دین کرده است تا دیگران را بیم داده و به راه صواب آورند «و ما کان المومنون لینفروا کافه فلولاً نفر من کل فرقه طائفه منهم لیتفقوهوا فی الدین» (۱۳) قرآن دانش توأم با عمل را می پسندد و ثمره دانش را خشیت از خداوند معرفی می کند «انما یشی الله من عباده العلماء» (۱۴) و عالمان را در شهادت بر توحید الوهی در کنار خود و فرشتگان قرار داده است «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه و اولو العلم» (۱۵) و راسخان در علم را به دلیل ایمان به امور غیبی و... ستوده است (۱۶) «والراسخون فی العلم یقولون امانا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب» (۱۷) قرآن کریم در کنار تکریم و تمجید از مقام والای علم و عالمان راستین، در برابر آنان که مقام علم را پاس نمی دارند و به شهوات آلوده اند ایستاده و با تعابیری تکان دهنده این رهنمان راه سعادت را نکوهش کرده است. قرآن دانشمندی را که به دانش خود پایبند نباشد و به مقتضای آن عمل نکند چونان چارپایی می داند که کتابهایی بر او بار شده اما از محتوای بار خود بهره ای ندارد «مثل الذین حملوا التوراه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفاراً» (۱۸)

اگرچه مصداق اولی این آیه دانشمندان اهل کتابند اما به دلیل جاودانگی قرآن، هر دانشمندی که به مقتضای دانش خود عمل نکند مصداق بعدی آن خواهد بود و به این ترتیب دانشمند مسلمانی هم که دانش خود را وانهد و بر اساس آن رفتار نکند چونان الاغی است که بر او کتابهایی بار شده و خود از آن بهره ای ندارد و نه تنها از بهره نمی برد بلکه آن را وسیله گمراهی بیشتر خود و دیگران قرار می دهد کتمان آیات الهی و بیان آرای مبتنی بر خواهش های نفسانی و تحریف معنوی متون دینی نتیجه همین رویکرد است که در قرآن به دانشمندان اهل کتاب نسبت داده شده است تا جایی که مردم نیز به جای اطاعت از خداوند از اینان اطاعت می کردند «اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله» (۱۹) از این رو چنین دانشمندانی هم خود را گمراه کرده و هم دیگران را از راه به در می برند. بالاتر از این نکوهش دانشمندی است که در عین دارا بودن آیات الهی، با پیروی از هوای نفس، گذشته روشن خود را تباہ و از زیانکاران شد قرآن مثل چنین دانشمندی را مثل سگ دانسته است «واتل علیهم نبأ الذی آتیناه ایتانا فانسلخ منها فأتبعه الشیطان فکان من الغاوین ولو شئنا لرفعناه بها و لکنه اخلد الی الارض و اتبع هواه فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیہ یلهث او تترکه یلهث ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا فاقصص القصص لعلهم یتفکرون» (۲۰)

پی نوشت:

۱. ذاریه، ۵۶: جن و انس را جز برای پرستش نیافریدم
۲. سوره الطلاق آیه: ۱۲. الله کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین همانند آن راه امر خدا میان آنها فرود می آید تا بدانید که خداوند بر هر کاری تواناست و دانش او هر چیزی را در بر دارد
۳. عاملی، زین الدین بن علی، منیه المرید، ص ۹۳
۴. الرحمن، ۲ و ۳: انسان را آفرید و به او بیان (سخن گفتن) آموخت
۵. علق، ۵: به انسان آنچه را که نمی دانست، آموخت.
۶. بقره، ۳۱-۳۳: و همه نامها را به آدم آموخت نگاه آنها را بر فرشتگان نشان داد و گفت اگر راست می گوئید مرا از نامهای اینها خبر دهید گفتند منزه می تو ما جز آنچه خود به ما آموخته ای چیزی نمی دانیم راستی که بسیار دانای استوار کار تویی. گفت ای آدم فرشتگان را از نامهای ایشان خبر بده و چون نامهای ایشان را به آنان خبر داد خداوند فرمود مگر به شما نگفتم که من نهان آسمانها و زمین را می دانم و می دانم چیزی را که آشکار و چیزی را که نهان می کنید.
۷. نحل، ۷۸: و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید و برایتان گوش و چشم و دل قرار داد باشد که سپاسگزار باشید.
۸. علق، ۱: بخوان به نام خداوندگار که (آفریده ها را) آفرید
۹. علق، ۴: آنکه (ادمی را) به وسیله قلم علم آموخت
۱۰. اسراء: بگو سوگند که اگر جنیان و انسانها همراه هم بکوشند تا مانند این قرآن بیاورند هرگز مانند آن نیاورند هر چند پشتیبان یکدیگر باشند.
۱۱. زمر، ۹: ... بگو آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند مساوی اند؟
۱۲. مجادله، ۱۱: ... که خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده اند (به یک پایه) و کسانی که به آنها دانش داده شده به پایه هایی بالا برد و خدا از آنچه می کنید آگاه است.
۱۳. توبه، ۱۲۲: روا نباشد که مومنان همگی (برای جنگ یا کسب دانش دین) کوچ کنند پس چرا از هر جمعی افرادی کوچ نمی کنند تا دین شناس شوند ...
۱۴. فاطر، ۲۸: ... از بندگان خدا تنها دانشوران (عالمان ربانی) از او می ترسند ...
۱۵. آل عمران، ۱۸: خداوند در حالی که برپا دارنده عدالت است گواهی داد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش نیز...
۱۶. رک: نهج البلاغه، خطبه ۹۱
۱۷. آل عمران، ۷: و آنان که رسوخ در دانش دارند می گویند ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب خداوندگار ماست و جز صاحبان خرد ناب تذکر نمی یابند
۱۸. جمعه، ۵. مثل کسانی که تورات بر دوششان نهاده شد سپس آن را بر دوش نکشیدند مثل دراز گویی است که کتابهایی را بار می کشد ...
۱۹. توبه، ۳۱: آنان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را خداوندگاری به جای خداوند برگزیدند ...
۲۰. اعراف، ۱۷۵ و ۱۷۶: و بر آنها خبر کسی را (بمعنا باعورا) برخوان که آیات خود را (معارف آسمانی می مقام استجابت دعا) به او دادیم اما او از آنها تهی شد پس شیطان او را دنبال کرد و در پایان از گمراهان شد و اگر می خواستیم او را به وسیله آن آیات بالا می بردیم ولی او به پستی گرایید و دل بر زمین بست و از هوای خود پیروی کرد پس داستان او داستان سگ تشنه یا خسته است که اگر به او حمله کنی زبان در آورد و اگر رهایش کنی زبان در آورد این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند این استان را بازگو شاید بیندیشند

